

تشیع در کوفه

تشیع کوفی چندان شهرت دارد که در نظر بسیاری از محققان، این شهر، به لحاظ قدمت، پایگاه اصلی تشیع در جهان اسلام به شمار می آید. در این نکته هیچ تردیدی وجود ندارد و نیاز به ارائه شواهد و مدارک نیست. تاریخ این شهر، دست کم از زمان اقامت امام علی (ع) در آن، سال ۳۶ هجری، با تشیع درآمیخته است. در سخت ترین شرایط در دوران اموی، دست کم یک چهارم تا یک سوم ساکنان شهر بر مذهب تشیع بودند. این امر سبب شده بود تا دولت اموی، نظارت بیشتری بر ساکنان این شهر داشته و همیشه آماده سرکوبی شورش های احتمالی در آن باشد. امویان، در این زمینه، از اشراف شهر کمک گرفته و غالباً مردم این شهر را به جان یکدیگر می انداختند. ماجرای کربلا یک نمونه آشکار از درگیر کردن مردم این شهر با گرایش های مذهبی مختلف، با یکدیگر بود. به رغم فراوانی شیعه، حاکم اموی شهر، عده ای از اشراف و افراد بی سروپای کوفه را به کربلا فرستاد تا امام حسین (ع) را به شهادت برسانند. اما شیعیان اصیل شهر، که به دلیل سختگیری ها، در کربلا حاضر نشده و بعدها پشیمان گشتند، در سال ۶۵ تحت عنوان «توابین» قیام کردند. سال پس از آن، مختار، در مقام رهبر سیاسی شیعیان کوفه قیام کرد و نه تنها بسیاری از عاملان کربلا را به قتل رساند، عبیدالله بن زیاد را نیز که عامل مستقیم و اصلی کربلا بود، در نبردی کشت. بدین ترتیب قبایل مستقر در کوفه با تشیع، مأنوس و هماهنگ شده و این مذهب در این شهر به عنوان مهم ترین گرایش مذهبی باقی ماند. معنای این سخن، این نیست که همه شیعیان کوفی، امامی مذهب بودند، اما تشیع آنان در مقام دفاع از اهل بیت (ع) گاه چندان عمیق و عاطفی بود که از احساسات شیعیان امامی، هیچ کم نداشت. یکی از نشانه های روشن تشیع کوفیان، در شرح حال محدثان و راویان کوفی آشکار می شود. فراوانی گرایش به تشیع در میان راویان کوفی که برخی از آنان از تابعین به نام و عالمان مشهور قرن اوّل و دوم هستند، چندان است که تقریباً می توان گفت اکثریت قریب به اتفاق آنان همین گرایش را دارند (المعرفة و التاريخ: ۸۰۶/۲). گفته اند که کوفیان در مقام افتخار اظهار می کردند که: همگان می دانند که مردمان هیچ شهری به جز کوفه، به طور کامل متفق بر محبت بنی هاشم نیستند و هر بار نیز که یکی از بنی هاشم در شرق یا غرب عالم کشته می شود، شماری از کوفیان در اطرافش بوده اند که خون آنان باخون وی درآمیخته می شده است (اخبارالبلدان، ابن فقیه همدانی: ۳۰).

در روایتی هم از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: خدای متعال ولایت ما را بر اهالی شهرها عرضه کرد و جز مردم کوفه آن را نپذیرفتند (بصائر الدرجات: ۷۶-۷۷). در این شهر، حتی در

میان جماعت اهل سنت در قرن دوم، کمتر کسی یافت می شد که علاقه ای به خلیفه سوم داشته باشد (الانتقاء، ابن عبدالبر: ۱۳). تشیع کوفه چندان شهرت داشت که شهری چون قم به عنوان کوفه کوچک شناخته می شد (بحارالانوار: ۵۷/ ۲۲۸). چنان که شیعیان این شهر، گاه کتاب در فضیلت کوفه و قم می نوشتند (رجال نجاشی: ۱۷۷).

مراجعه به نویسندگان مهم شیعه تا قرن چهارم، بر اساس رجال نجاشی، می تواند دامن گسترده تشیع کوفه را به خوبی نشان دهد. مانند همین وضعیت، در مراجعه به آثار رجالی اهل سنت، وجود دارد، به طوری که متهم کردن محدثان به تشیع، غالباً اختصاص به افرادی دارد که کوفی هستند.

بدین ترتیب کوفه، به عنوان مرکز جریان تشیع، این مذهب را به بسیاری از نقاط دیگر منتقل کرد. بعدها با برآمدن بغداد در نیمه قرن دوم، به تدریج از اهمیت کوفه کاسته شد، اما کوفیانی که به باب الکوفه بغداد رفتند، غالباً بر مذهب تشیع بودند.